



شناسایی ادراک و تفسیر دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دربارهٔ اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی آموزش عالی؛ یک پژوهش پدیدارشناختی[◇]

بتول بهشتی^۱
سعید صفایی موحد^۲
خسرو باقری^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف پی بردن به اهمیت برنامه‌های درسی به عنوان یکی از عناصر یا خرده‌نظام‌های اصلی آموزش عالی که می‌تواند نقش غیر قابل انکاری در راستای تحقق اهداف و رسالت‌های دانشگاه‌ها داشته باشد، انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. این پژوهش برگرفته از شرایط فعلی حاکم بر نظام آموزشی است و تجربه زیسته دانشجویان از اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی، از دیگر اهداف آن به شمار می‌رود. **روش:** با توجه به ظرفیت شگرف رویکردهای کیفی، به ویژه روش پدیدارشناسی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها در مصاحبه با ۷۵ نفر که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، به اشیاع رسید. داده‌ها با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی تفسیر و توصیف شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از آن است شرکت‌کنندگان در این پژوهش، نگاهی عمیق به موضوع پژوهش داشتند. از نظر این افراد، مسئله اسلامی‌سازی برنامه درسی نیازمند بررسی عمیق و تعمق گسترده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش ضمن بازنمود چنین تحلیلهایی نشان داد برای پیمودن این مسیر پر فراز و نشیب باید همه رویکردها و عوامل مختلف علمی و سیاسی و فرهنگی در نظر گرفته شوند.

واژگان کلیدی: ادراک، اسلامی‌سازی، برنامه‌های درسی، پدیدارشناسی، دانشجویان، آموزش عالی.

◇ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۰۱؛ تصویب نهایی ۰۰/۰۴/۱۰.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال آل احمد - مقابل کوی

نصر، خیابان دکتر کاردان / نمابر: ۸۸۲۳۴۱۶۲ / Email: beheshti529@ut.ac.ir

۲. دکتری برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت علمی سابق دانشگاه تهران و رئیس ارزشیابی شرکت ملی نفت ایران.

۳. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

الف) مقدمه

یکی از بسترهای معمول به منظور تحقق آموزش و تربیت اسلامی و از مهم‌ترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت‌های کلی دانشگاهها، برنامه‌های درسی می‌باشند که به طور طبیعی، همراه با تغییر محورهای اصلی مد نظر دانشگاهها، از تغییرات لازم برخوردار می‌شوند (فاطمی، ۱۳۸۹). هر مؤسسه و برنامه آموزشی باید طبق ایدئولوژی و فرهنگی که به آن متعهد است، طراحی و تدوین شود؛ بنابر این، بر اساس ساختار جوامع اسلامی، زمان آن است که از نظام قدیمی و کهنه آموزشی با جهت‌گیری سکولار فاصله گرفته شود و با به کار بردن اندیشه‌ها و تفکرات استاد و دانشجو و تشریک مساعی جامعه علمی و اسلامی، درباره بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام آموزشی که بیشتر در قالب وحی منزل است، بررسی و تشکیک کنند. می‌توان با تولید اندیشه‌های علم دینی و تربیت اسلامی، نیازهای حال و آینده جامعه اسلامی را پاسخ گفت. (موسوی، ۱۳۹۱)

بی‌توجهی به سیستم آموزشی رایج در جوامع مختلف، از جمله جوامع اسلامی، زمینه‌ساز گسترش مشکلات و گرفتاری‌های آموزشی است. در بسیاری از نظامهای آموزشی کتابخانه‌ای که جوانان و مسلمانان در آن تمرین می‌کنند، خودآگاهی آنان در کاریکاتور از غرب شکل گرفته است. لذا ایجاد روش‌شناسی اسلامی و اصلاح نظام آموزشی مسلمانان و نجات دادن آنان از بحران هویتی که بدان دچار شده‌اند، ضروری است؛ زیرا فقط با ترمیم نظام آموزشی است که می‌توان مشکلات فرهنگی و علمی مسلمان را حل کرد (کافی، ۱۳۹۳). به تبع رشد و گسترش احیای اسلام در جهان امروز، شاهد بحث و گفتگو در باب علم دینی یا اسلامی‌سازی علوم هستیم. شاید در فضای مسلط فرهنگ و دانش غرب بر جهان امروز، سخن گفتن از اسلامی‌سازی علوم، امری عبث و بیهوده و دانشهای غربی، امری محتوم و گریزناپذیر در تمامی جوامع تلقی شود. این امر را می‌توان بخشی از سیطره غرب سکولار بر جهان امروز دانست (طف‌آبادی، ۱۳۸۱). دانش سکولار غربی این امر را مسلم گرفته که تنها راه شناخت انسان و جهان هستی، تمسک به عقل خودبنیاد بشری است و نفی آموزه‌های دینی در زمینه علم و دانش را نشانه بلوغ بشری قلمداد کرده، آن را شاخص اصلی روشنگری می‌داند. (کریمی، ۱۳۹۰)

کشور ایران نیز به واسطه شکل‌گیری انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین حرکت اصلاحی و احیای دینی در قرن بیستم، منادی بازگشت به علوم اسلامی و ریشه‌های علم در سنت گذشته اسلامی بوده است. انقلاب فرهنگی از نخستین مؤلفه جمهوری اسلامی در این زمینه است (برخورداری و باقری، ۱۳۹۱). به عنوان یک کشور اسلامی، دستیابی به رویکرد اسلامی‌سازی علوم و برنامه‌های درسی در سطح آموزش عالی به عنوان راهنمای عمل برنامه‌ریزان، مؤلفان و استادان کشور، نه تنها خالی از اهمیت نیست، بلکه یک ضرورت نیز محسوب می‌شود (محسن‌پور، ۱۳۹۲: ۸۷). حال آنکه بعد از گذشت سه دهه از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اندیشه‌ها و تفکرات انقلابیون و تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته برای تحول فرهنگی در جامعه علمی و

بتول بهشتی و همکاران ♦ 969

اسلامی کردن دانشگاهها، هنوز نه دانشگاهها به معنای مد نظر آنان اسلامی شده و نه مفهوم و منظور درستی از اسلامی کردن برنامه‌های درسی در دانشگاهها مورد کنکاش علمی همه‌جانبه قرار گرفته است و چنانچه در نظام تعلیم و تربیت ما نظریه اسلامی سازی برنامه درسی تبیین و تدوین نشود، یکی از مشکلاتی که در این میان به وجود می‌آید، بروز مشکلات در آرمانهای تربیتی خواهد بود. به همین دلیل، ارزیابی میزان دستیابی به این هدف با مشکلات و چالشهای بسیاری مواجه است (خان‌محمدی، ۱۳۹۴). اسلامی شدن برنامه‌های درسی ارتباطی و وثیقی با اسلامی شدن دانشگاهها دارد؛ زیرا عمده کتابهای علوم انسانی، ریاضی و تجربی، توسط دانشگاهیان نگاشته می‌شود. (خالقی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳)

بنابر این، مسئله اصلی این پژوهش، اسلامی سازی برنامه‌های درسی در دانشگاههای ایران با هدف توصیف و تفسیر دیدگاه دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که درک و تفسیر دانشجویان از اسلامی سازی برنامه‌های درسی چیست.

ب) پیشینه تحقیق

جریان مقابله با اندیشه‌های غربی و لزوم به کارگیری معرفت دینی در دوران معاصر و حضور دین در عرصه‌های مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تولید و تحقق علوم اخلاقی و اجتماعی اسلام در جوامع اسلامی، پدیده‌ای است که روشنفکران مسلمان مطرح کردند (کسبی، ۱۳۶۳: ۱۰۱). شاید بتوان ادعا کرد که مسئله انحطاط، مسلمین را متوجه عقب ماندگی جوامع اسلامی و پیامدهای سکولاریسم و سکولاریزاسیون در کشورهای اسلامی ساخت. این مسئله، منشأ پیدایش مسئله دیگری به نام رابطه یا تعارض علم و دین شد و دیدگاههای متعددی را به ارمغان آورد (هیلر، ۱۹۹۹). اگر به لحاظ تناسب محتوایی، اسلامی شدن علوم و دغدغه آن را مطرح کنیم، ابوالاعلی مودودی^۱ (۱۹۸۰) یکی از علمای پاکستان، دغدغه اسلامی شدن علوم و دانشگاهها را مطرح کرد و اصطلاح اسلامی سازی^۲ جایگاه ویژه‌ای یافت.

العطاس (۱۹۷۹) از جمله کسانی است که در زمینه اسلامی سازی معرفت و دانش فعالیتها و پژوهشهای بسیاری انجام داده است. وی با نگارش کتاب «آموزش اسلامی»، مسئله اسلامی شدن علم و دانشگاه را مطرح کرد. از نظر او، علم عبارت است از شناخت موقعیتهای واقعی و شایسته اشیا در نظم آفرینش؛ به

1. Heller

2. Abul A'la Maududi

3. Islamization

970 ❖ شناسایی ادراک و تفسیر دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

گونه‌ای که به شناخت جایگاه واقعی خداوند در نظم هستی و وجود بینجامد. مراد از جایگاه شایسته اشیا و پدیده‌ها نیز همان است که در نظام فکری قرآن تصویر شده است. از این رو، در اندیشه وی هماهنگی با نظام فکری قرآنی و اسلامی، تأثیرمستقیم در صدق و اعتبار یک گزاره معرفتی و به تبع آن، یک رشته علمی دارد و بدین وسیله، تحقق علم اسلامی و نیل به آن امکان‌پذیر خواهد شد.

اسماعیل راجی الفاروقی^۱ (۱۹۸۶) نیز از جمله متفکرانی است که روش علمی خاصی را برای اسلام در نظر می‌گیرد و در دفاع از این امر، بر خلاف دیدگاه غربیان که روش علمی را خاص خود می‌دانند، بر آن است که ملاحظه علمی که در دامن اسلام رشد کرده‌اند، نشان‌دهنده وجود روش علمی در اسلام است.

پس از بررسی رابطه اسلام و علم تجربی در دید فاروقی، به طور کلی باید به شناسایی ماهیت و علت بحران و علمی مسلمانان در عصر حاضر پرداخت. به دنبال واکنش و حرکت جوامع اسلامی در برابر هجوم‌های اندیشه‌های غربی و لزوم اصلاح نظام آموزشی و محتوایی علوم این جوامع، همچنین در پی تعطیلی دانشگاهها در ایران پس از انقلاب و مسائل مختلف و بعضی ادعاها مبنی بر اسلامی نبودن برنامه‌های موجود در دانشگاهها، ستاد انقلاب فرهنگی در ایران اسلامی تأسیس شد. در این میان، علوم انسانی بیش از سایر رشته‌ها مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در حقیقت؛ برای بازگشایی دانشگاهها نیاز فوری به تجدید نظر در برنامه‌های درسی دانشگاهی بود و عده‌ای با مطرح کردن بحث علم دینی و اسلامی کردن دانشگاهها، موجب تشکیل دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شدند. از جمله افرادی که در زمینه اسلامی‌سازی به باید نبایدها اسلامی شدن در علوم انسانی پرداختند، علامه مصباح بودند (موسویان، ۱۳۹۳). بنابر این، با پیگیری‌های نهادهای فرهنگی و دینی و واکنشهای نهادهای علمی در برابر ایدئولوژی‌های مارکسیستی و نفوذ اندیشه‌های غربی، به طور واضح دغدغه نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص تعارض علم و دین برجستگی یافت و نهادهایی مانند آموزش عالی تکلیف یافتند به این امر مهم اهتمام بورزند. (مستقیمی، ۱۳۹۲)

حضرت امام (ره) بارها با تأکید بر اینکه «تباهی و سعادت یک ملت در دست دانشگاه است»، توجه به دانشگاه را اولویت مهم مسئولان نظام می‌دانستند. پس از پایان جنگ و با شروع دوران سازندگی، رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۷۴، انقلاب فرهنگی و اسلامی کردن دانشگاههای کشور را دوباره مطرح و فرایند اسلامی کردن دانشگاهها را موج اول در تحول بنیادین در عرصه فرهنگ معرفی کرده و شورای عالی انقلاب فرهنگی را ملزم به تداوم در پیگیری فرایند اسلامی کردن دانشگاه کردند (صادقی، ۱۳۹۱). لذا تأسیس و پیگیری‌های شورای عالی

971 ♦ بتول بهشتی و همکاران

انقلاب فرهنگی و تداوم روند اسلامی کردن دانشگاهها در جهت تدوین موج نخستین بود. موج دوم اسلامی کردن دانشگاهها در دهه دوم انقلاب اسلامی و دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شد که تأسیس شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، از فعالیتهای عمده آن به شمار می‌رود. موج سوم اسلامی کردن دانشگاهها نیز در میانه دهه سوم انقلاب ایجاد شد که مصادف با حاکمیت اصول‌گرایان بر قوه مجریه و نظام آموزشی کشور بود. (گلکار، ۱۳۸۷)

کنکاشهای محققان و صاحب‌نظران علمی جامعه ایرانی پیرامون پدیده اسلامی‌سازی علوم و برنامه‌های درسی، ضرورت بحث درباره این پدیده را به خوبی روشن می‌سازد. بر اساس دیدگاه نوایی (۱۳۸۹)، برنامه‌های درسی در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله علوم انسانی، در ایران گرفتار آسیبهایی جدی‌اند که توجه به آنها می‌تواند ضرورت بحث را به خوبی روشن سازد. علامه مصباح درباره آسیبهایی موجود در علوم انسانی اظهار می‌دارد که گاه در علوم انسانی، فرضیه‌ها و نظریه‌هایی مطرح می‌شوند که با آموزه‌های دینی ناسازگارند! چگونه علمی می‌تواند ادعای کشف واقع را داشته باشد، در حالی که با دین صحیح تعارض دارد؟ بنابر این، تعارض مبانی و مسائل علوم انسانی موجود با معارف اسلامی را می‌توان از نقاط ضعف علوم انسانی برشمرد. (مقدس‌فرد، ۱۳۹۱)

تعبیر علم دینی از نظر باقری (۱۳۹۲) که از صاحب‌نظران مطرح بحث علم دینی است، در برخی از کاربردهای به واقع بی‌معناست. دیدگاههای مبنایی چنین حکمی، قابل تأمل و تردید است. در نهایت، کاربردی از این تعبیر یافت می‌شود که مبتنی بر کثرت‌گرایی تداخلی در معرفت‌شناسی است و در این کاربرد، تعبیری معنادار است. بنابر این، علم دینی معنایی موجه دارد که نه با هویت علم ناسازگار است، نه با هویت دین. در این معنا، دین همچون معرفتی مقدم بر علم، منبع الهامی برای مفاهیم، فرضیه‌ها، مدلها و سبک تبیین خواهد بود. علم دینی به هیچ وجه پدیده غریبی در علم نیست؛ همه نظریه‌های موجود در علوم انسانی، قیدی آشکار یا پنهان از منبعی غیر علمی به همراه دارند. البته علم دینی در صورت تحقق، در میان مباحث علمی زمان معاصر، پدیده جدیدی خواهد بود. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲)

ج) روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب روش تحقیق کیفی، از نوع پدیدارشناسی انجام شده و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها، جزء پژوهشهای توصیفی است. یکی از ویژگی‌های عمده تحقیق کیفی، تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه معینی از یک پدیده است که به آن، مورد گویند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). از

972 ♦ شناسایی ادراک و تفسیر دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

آنجا که محقق در پی بازنمایی ادراک دانشجویان از اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی بوده، این پدیده در شرایط و محیط بررسی شده و داده‌ها به صورت مستقیم و به شکل توصیفی توسط پژوهشگر گردآوری شده است. سعی شده این پدیده از دید دانشجویانی باشد که در این زمینه مطالعه داشته و علاقه‌مندی خود را نسبت به این پدیده نشان داده‌اند و از عین گفتار در ثبت داده‌های مورد گردآوری استفاده شده و نتیجه‌گیری نیز از طریق استدلال صورت گرفته است. در این پژوهش، مفاهیم طی بررسی خط به خط مصاحبه‌ها، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها مشخص شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد مشترک، ارتباط مقوله‌های فرعی با مقوله‌ها شکل گرفت و در نهایت، با کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها یکپارچه شدند (استراوس و کوربین،^۱ ۱۳۹۰). برای اعتباربخشی به نتایج، یافته‌ها با مصاحبه‌شونده‌ها بررسی شد تا تفاسیر شرکت‌کنندگان تأیید شود. ضمن آنکه نتایج نیز در اختیار صاحب‌نظران دیگر قرار گرفت تا صحت کدگذاری و مقوله‌ها مشخص شود.

بهترین رویکرد قابل استفاده برای این پژوهش، رویکرد پدیدارشناسی^۲ است. پدیدارشناسی و پدیدارنگاری^۳ مربوط به تحقیق درباره تجربه زیسته افراد است. مطابق رویکرد پدیدارشناسی، افراد، خالقان فعال دنیای خودشان‌اند و نسبت به ارتباطات و تجارب و دانش روزانه خود، آگاهی دارند. (یومن،^۴ ۲۰۰۰: ۳۸۸؛ نقل از: ابوالعالی، ۱۳۹۱)

جامعه آماری این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن، شامل معرفت‌جویان در حال تحصیل و دانش‌آموخته‌های دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. در این پژوهش با ۸۵ نفر مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت و از مصاحبه ۷۵ به بعد، اشباع نظری حاصل شد؛ اما برای اطمینان، تا مصاحبه ۸۵ ادامه یافت. در مطالعه حاضر باید افرادی در پژوهش شرکت کنند که پدیده مد نظر را تجربه کرده یا درباره آن اطلاعات داشته باشند و ضرورت دارد ملاک خاصی برای انتخاب افراد مد نظر باشد. از این رو، با توجه به این راهبرد، نمونه‌گیری موارد ویژه (بحرانی) برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شده است. نمونه‌گیری از موارد ویژه، روشی است که در آن نمونه‌ها به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای که دارند و در مرکز موضوع مورد بررسی هستند، انتخاب می‌شوند. افراد یا محلهایی که بیشترین اطلاعات را فراهم آوردند، موارد ویژه‌اند و زمانی به طور

1. Esteravs & Corbin

۲. *Phenomenography*: بازنمایی شیوه‌های متفاوتی که افراد به وسیله آن، جهان اطراف خود را درک می‌کنند.

۳. *Phenomenology*: بازنمایی یا فهم معنی یک پدیده یا مفهوم از نظر یک گروه از افراد مختلف.

4. Yemen

بتول بهشتی وهمکاران ♦ 973

عملی برای پژوهش مفیدند که بتوان نمونه کوچکی انتخاب کرد. بازه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۲۵ تا ۴۰ سال است. از ۸۵ نفر نمونه، ۳۵ نفر دانش‌آموخته و ۵۰ نفر مشغول به تحصیل بودند و مدرک تحصیلی ۲۵ نفر از آنان کارشناسی ارشد، ۲۵ نفر کارشناسی و ۳۵ نفر دکتری بود. منطبق موجود در نمونه‌گیری موارد ویژه، زمانی است که در پژوهش مقدماتی، درک دانشجویان سال اول کلیه رشته‌های علوم تربیتی را با یک پرسشنامه بررسی می‌کنیم (دلاور، ۱۳۹۱: ۲۰۲). اگر سال اولی‌ها بتوانند مفهوم پرسشنامه را درک کنند، می‌توانیم مطمئن باشیم که در سالهای بالاتر نیز این درک وجود دارد. با توجه به نمونه در نظر گرفته‌شده، دانشجویانی انتخاب و به مصاحبه دعوت شده‌اند که از نظر محقق، درباره پژوهش مد نظر بیشترین اطلاعات را در اختیار محقق قرار می‌دهند.

در تحلیل پژوهش حاضر از روش توصیفی هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ (۱۹۹۷؛ نقل از: عابدی، ۱۳۸۹) برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در مرحله اول، پس از انجام هر مصاحبه، کل متن مصاحبه روی کاغذ، پیاده و یادداشتهای ارائه شده توسط شرکت‌کننده پس از مصاحبه نیز به متن اضافه شد. این روند برای همه مصاحبه‌ها تکرار شد. در مرحله دوم، کل متن چندین مرتبه مرور شد تا درک کلی از آن حاصل شود. در مرحله سوم، پس از مطالعه متن، معانی استخراج‌شده به صورت کدهای اولیه تنظیم شد تا دسته‌بندی راحت‌تر صورت گیرد. در مرحله چهارم، معانی کدگذاری شده، در قالب خوشه‌هایی از زیرمضمونها سازماندهی شد. در مرحله پنجم، برای دستیابی به مفاهیم واضح و بدون ابهام، بار دیگر در کدهای پدید آمده از اولین مصاحبه تا آخرین مصاحبه، بازنگری انجام شد. در مرحله ششم، زیرمضمین به دست آمده در هر گروه، با گروههای دیگر مقایسه و در هم ادغام شد و مضمون اصلی در هر بخش با توجه به زیرمضمونها به دست آمد. در انتها و در مرحله هفتم، برای اعتباربخشی، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارجاع داده شد تا از صحت آنها اطمینان حاصل شود و متن پس از تعدیلهای ایجادشده، برای انتشار و گزارش‌نویسی آماده شد.

(د) یافته‌های تحلیلی

با توجه به نکات مشترک برآمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ادراک شرکت‌کنندگان درباره اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی، در چند مرحله مقوله اصلی به طور مجزا قابل طرح است. مقولات استخراج‌شده، تعریف، اجزا، ویژگی‌ها و دیگر اشخاص موجود در هر مفهوم را به تفکیک بیان می‌کند. شاهد مثالها، ارتباط مقولات مرتبط و تحلیل آنها آورده شده است. در پژوهش کیفی، گاه

1. Colaizze

974 ❖ شناسایی ادراک و تفسیر دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

در مسیر یافتن پاسخ سؤال تحقیق، یافته‌های دیگری نیز حاصل می‌شود. بخشی از نمونه مصاحبه با یکی از دانشجویان در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: یکی از مصاحبه‌ها

<p>تحمیل افکار و ذهنیت غلط در مورد اسلام</p> <p>عدم ارائه مدل واقعی از اسلام</p>	<p>متن مصاحبه:</p> <p>سؤال: لطفاً خیلی آزاد هر چه دوست دارید و می‌دانید در زمینه واژه اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی برای ما بگویید؟</p> <p>پاسخ: اولین چیزی که از اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی در ایران و به صورت کلی به ذهنم می‌رسد این است که ی سری سازمانها و اشخاص دینی و سیاسی میخواهند اسلام را به نوعی در امور تربیتی و علمی وارد کنند و سعی در تحمیل این اصول می‌باشند البته به نوعی با این کار نوعی اسلام زدگی را در بین اقشار مختلف علمی به وجود می‌آورند چون اصلاً این کارشون بدون اینکه فرهنگ‌سازی شود بدون اینکه از یک پشتوانه منطقی برخوردار باشد در حال اجرا است. اسلام واقعی همانی است که در قرآن و احادیث و امور تربیتی ائمه آمده که متأسفانه به صورت غیراصولی و تقلیدی بودن و بدون داشتن نوع روش تربیتی خوب در حال اجرا شدن است.</p>
<p>سلیقه‌ای تعریف کردن اسلام از طرف مسولیت دینی</p>	<p>سؤال: سلام واقعی از نظر شما چیست؟</p> <p>پاسخ: اسلام واقعی که در مورد آن شنیدیم به نظر من اسلامی نیست که از طرف رسول خدا بشارت داده شده است و آنچه را که در امور تربیتی ما بخصوص در مباحث فکری جامعه ما پیاده شده اسلام دستکاری شده است اسلامی است با افکار و ذهنیت ی سری از افراد وارد فرهنگ و ذهن عوام شده است الان اسلام واقعی در کتاب و امور فکری جامعه پیاده نشده است الان اسلام یک نوع مدلی شده است که هر کس به نوعی بر اساس سلیقه خود تعریف می‌کند. اسلام واقعی باید توسط متخصصین ارائه شود که وظیفه شان را به درستی انجام نمی‌دهند احساسم بر این است که در مورد دینمان با ی خرده کم کاری‌هایی از طرف مرکز و سازمانهای مذهبی روبرو شده ایم.</p>
<p>نبود برنامه‌ریزی اصولی برای برای بومی‌سازی برنامه‌های درسی</p>	<p>سؤال: درک شما از سیاست برنامه درسی ایران چیست؟</p> <p>پاسخ: اگر در مورد برنامه‌های درسی ایران صحبت کنیم که اصلاً باید بگوییم ی سری برنامه‌هایی است که با چهارچوب کاملاً بسته بدون جهت و تعریف در ایران اجرا می‌شود، ما سالهاست که با این برنامه‌های نظام آموزشی آینده گان خود را تربیت میکنیم</p>

جدول ۲: کدهای اولیه حاصل از ادراک دانشجویان شرکت کننده پیرامون واژه اسلامی‌سازی

کدهای اولیه مرتبط	کد
تجویز اعتقادات دینی و اسلامی	A.a1.1
تقویت روح ضد سکولار در بین دانشجویان	A.a2.2
همانندسازی محتوای کتابهای درسی بر اساس اهداف حکومتی	A.A2.2
متبلور شدن همه ارزشهای والای قرآنی و دینی در بین دانشجویان	A.A2.2
پیوند بین علم و دین	A.a1.1
تقویت روح استقلال علمی و دینی در برابر روح سکولار غربی	A.a2.2
تقویت اعتقاد به نظام ولایت فقیه در بین دانشجویان و دانش‌پژوهان	A.a2.2
تقویت روح ضد سکولار در بین دانشجویان	A.a2.2
هدایت نظام برنامه‌ریزی درسی به سمت تقویت فضایل اخلاقی و اسلامی	A.a2.2
اشاعه دین در برنامه‌های علمی کشور به عنوان یک رویکرد تحمیلی	A.a1.1
شناساندن هویت ایرانی و اسلامی	B.b1.1

B.b1.1	تقویت چارچوب تعریف شده از سوی سازماندهای مذهبی
B.b2.2	شناسایی فهم و درک و فرهنگی و اسلامی
B.b1.1	در نظر گرفتن اهداف دینی و اسلامی حکومت
B.b2.2	مقابله با هججه‌های دینی و فرهنگی غرب
B.b2.2	تقویت و شناساندن فرهنگ دینی
B.b1.1	یکسان‌سازی نهادهای علمی در جهت اهداف حکومت
B.b1.1	سیطره فکری و علمی بر اقشار تحصیلکرده
B.b2.2	تقویت رویکرد بومی‌سازی برنامه‌های درسی
C.c2.2	ارائه دیدگاه افراطی و بدون برنامه
C.c2.2	عدم اجازه ورود متخصصان رشته‌های علمی برای ارائه نظریات علمی و بومی
C.c2.2	بی پایه بودن طرح انقلاب فرهنگی
C.c1.1	عدم بررسی ریشه‌ای و بنیانی طرح اسلامی سازی
C.c2.2	عدم ارائه چهارچوب مناسب برای اسلامی سازی دانشگاهها

۱. نحوه شماره‌گذاری کدهای اولیه، زیرمضمونها و مضمونهای اصلی

شماره‌گذاری به منظور فهم سریع نحوه رسیدن به موضوعات اصلی یا مضمونهای اصلی انجام شده است. توضیح اینکه، برای درک صحیح ارتباط بین کدهای اولیه، زیرمضمونها و مضمونهای اصلی این کار صورت گرفته است. نحوه شماره‌گذاری، قراردادی است و می‌توان به اشکال دیگر هم این کار را انجام داد. شماره‌گذاری در این بخش به این اشکال است: حروف A, B, C مضامین اصلی‌اند که در نهایت به آنها دست پیدا خواهیم کرد. A-a1, A-a2, A-a3 زیرمضمونها و A-a1.1, A-a2.2, A-a3.3 کدهای اولیه‌اند.

جدول ۵: استخراج زیرمضمون ۱

زیرمضمون	کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
تعصب دینی	A.a1	تحمیل و تجویز اعتقادات دینی و اسلامی در بین دانشجویان	جزء شعار سیاسی و تحمیل این شعار در جامعه اسلامی نیست. به عبارتی؛ از پشتوانه منطقی برخوردار نیست.
	A.a1	تقویت روح معنویت‌گرایی و القای آن در مراکز علمی کشور	ترویج و تبیین روح معنویت‌گرایی
	A.a1	اشاعه دین در برنامه‌های علمی کشور به صورت تحمیلی	سیاست دینی و یکپارچه‌سازی آن در مراکز علمی

یک (تعصب دینی)

کد ۱۷، مصاحبه ۲۶: «به نظر من یک نوع ترس و یک نوع ذهنیت غلطی در مورد اشاعه تفکرات دینی و اسلامی از طریق برنامه‌های درسی وجود دارد. سیستم دینی و تلفیق آن با سیستم علمی توسط یک عده افراد متعصب و افراطی اداره می‌شود که نسبت به ورود نیروی جوان و تازه کار گارد می‌گیرند».

976 ♦ شناسایی ادراک و تفسیر دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

جدول ۶: استخراج زیرمضمون ۲

نمونه مصاحبه	کد اولیه مرتبط	کد اولیه	زیرمضمون
یکسان‌سازی نهادهای علمی در جهت اهداف حکومت	بیشتر این طرحها، سیاسی و شعاری‌اند تا علمی	B.b1	سیاستهای برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران
سیطره فکری و علمی بر اقشار تحصیل‌کرده شناساندن هویت ایرانی و اسلامی	سیاست جمهوری اسلامی در جهت اهداف حکومتی است. بنابر این، مجریان آموزشی و علمی سعی می‌کنند این اهداف را در برنامه‌های درسی و علمی تجویز کنند.	B.b1	
شناساندن هویت ایرانی و اسلامی	زمانی که برنامه‌های درسی و محتواهای تدوین شده کتابهای درسی بوی نگرش و دیدگاههای غربی‌ها را بدهد، این تلاشها و کوششهای مجریان بی‌فایده است.	B.b1	

دو) سیاستهای برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران

کد ۲۵، مصاحبه ۳۵: «آموزش عالی ایران هم مثل آموزش و پرورش کاملاً در یک چارچوب محافظه‌کارانه‌ای قرار گرفته است. مثل اینکه عنان این سیستم دست ی عده افراد افراطی کار قرار گرفته، جهت مشخصی ندارد، نه ورودی مشخصی دارد نه خروجی مشخص دارد. اصلاً آموزش عالی ایران سیاست ندارد. با راهبرد فکری افراد غیر متخصص اداره می‌شود. میدان برای افراد نخبه و متخصص خالی است. اجازه حرکت بنیادین و جدید را به افراد نمی‌دهند. این سیستم قدیمی و کهنه است، نیاز به تولد دوباره دارد، ولی نمی‌خواهند و نمی‌گذارند سیستم حرکت نوینی داشته باشد».

ادامه جدول ۶: زیرمضمون ۳

تقویت چارچوب تعریف شده از سوی سازمانهای مذهبی	ترسیم چشم‌اندازهای معین و موافق اصول جامعه اسلامی و تدوین آن در برنامه‌های درسی	B.b2	سیاستهای برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران
اولویت قرار دادن شاخصه‌های دینی در برنامه‌های درسی	سیاست هر کشور یکی از شاخصهای اصلی و تعیین‌کننده و جهت‌دهنده به همه ارکانهای اصلی آن جامعه، به خصوص بعد علمی و دانشگاهی است.	B.2	
تا زمانی که برنامه‌های درسی و محتواهای تدوین شده کتابهای درسی بوی نگرش و دیدگاههای غربی‌ها را بدهد، این تلاش بیپایه خواهد بود.	تقویت رویکرد بومی‌سازی برنامه‌های درسی	B.2	

سه) سیاستهای برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران

کد ۸، مصاحبه ۶: «متأسفانه برنامه‌های درسی در آموزش عالی هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند و باعث افزایش سردرگمی و ایجاد بیکاری و مختل کردن ورودی و خروجی در سازمانهای آموزشی کشور شده است».

جدول ۶: زیرمضمون ۴

زیرمضمون	کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
تصورات موجود از میزان موفقیت طرح اسلامی سازی برنامه درسی	C.c1	اسلامی سازی و محدود بودن آن به رشته علوم انسانی	نظام آموزشی ایران تقلیدی است و زمان انقضای این نظام تمام شده است، این دغدغه را بیشتر در علوم انسانی می توان حس کرد
	C.c1	استاندارد نبودن ورودی و خروجی نظام آموزشی کشور	هدفمند نبودن سیستم آموزشی و ناکارآمد بودن فرایند این سیستم
	C.c1	مشخص نبودن جایگاه متخصصین علمی	فرایند هر سیستمی نیازمند متخصصین خاص خودش است این نیازمندی را باید بیشتر شناخت.

چهار) تصورات موجود از میزان موفقیت طرح اسلامی سازی برنامه درسی

کد ۲۱، مصاحبه ۱۵: «به باور من، پروژه اسلامی سازی برنامه های درسی یک مسئله کاملاً جانبی و یک راه فرعی. اگر بخواهند در این زمینه برنامه ریزی کنند، نهایتش شکست خواهند بود. چطور می شود رشته هایی چون فنی و مهندسی را اسلامی کنند؛ در حالی که ریشه بسیاری از این رشته ها و حوزه های علمی، غربی است؟».

ادامه جدول ۶: زیرمضمون ۵

تصورات موجود از میزان موفقیت طرح اسلامی سازی برنامه درسی	C.c2	ارائه دیدگاه افراطی و بدون برنامه	افرادی که مجری انقلاب فرهنگی بودند، اصلاً مقصد مشخصی نداشتند؛ چرا که بر اساس فهم تنوریک نبود.
	C.c2	بی پایه بودن طرح انقلاب فرهنگی	انقلاب فرهنگی در نهادهای علمی بیشتر در قالب تنوری کلید خورد تا عمل.
	C.c2	عدم ارائه چارچوب مناسب برای اسلامی سازی دانشگاهها	اگر انقلاب فرهنگی را در قالب تحول و ساختار علمی تعبیه می کردند، کاربرد خوبی داشت تا اینکه این پروژه در جهت یکسان سازی افراد در قالب اسلامی اندیشیدن و اسلامی باشد.

پنج) میزان موفقیت طرح اسلامی سازی برنامه درسی

کد ۴، مصاحبه ۱۴: «سیستم آموزشی کشور نه در کتابها، نه در سایر برنامه های درسی و آموزشی، نتوانسته اسلام واقعی را به مخاطب و نسل آینده این کشور بشناساند. هنوز که هنوزه نتوانسته الگوی خوب و مناسبی ارائه بدهد. به عبارتی؛ دینی که ما از این سیستم آموزش دیدیم، اسلامی نیست که در قرآن معرفی شده است. اسلامی نیست که بتواند بر اساس نیازهای امروزی مطابقت کند و فضا و موقعیت واقعی برای اسلام شناسی در سیستم آموزشی کشور هنوز مهیا نشده است.».

جدول ۷: زیرمضمون ۶

زیرمضمون	کد اولیه	کد اولیه مرتبط	نمونه مصاحبه
هدف حکومت اسلامی از اسلامی سازی برنامه‌های درسی	D.d1	تبیین اهداف حکومتی	رویکردی که واحد تحلیل خود را در حوزه هویت و اهداف حکومتی برجسته می‌سازد
	D.d1	کنترل خط فکری افراد تحصیل کرده طبق خط مشق ولایت فقیه	تعریف چارچوب مشخص و جهت دادن به آن
	D.d1	اولویت قرار دادن اهداف و چشم‌اندازهای دینی در برنامه‌های درسی	سیستم آموزشی ایران به نوعی می‌خواهد فرهنگ و آرمانهای خودش را در قالب محتوای درسی یا هر چیزی که مربوط به سیاست‌های حکومتی است، معرفی کند.

نش) هدف حکومت اسلامی از اسلامی سازی برنامه‌های درسی

کد ۲۹، مصاحبه ۲: «هدف حکومت، کنترل کردن افراد است؛ یک نوع سانسور کردن، یک نوع فرهنگ غلط علمی. به نظر من، حکومت جمهوری اسلامی ایران به جای اثبات یک معادله دو وجهی، دنبال طراحی اصولی و علمی سیستم آموزشی کشور باشد. حوزه علوم انسانی در لبه پرتگاه جهل یک سری افراد متعصب و افراطی و بی‌سواد قرار گرفته است. باید بنیان و اساس علوم انسانی با پیشرفت و حرکت‌های پویای عصر امروز باید پیش رفت.»

ادامه جدول ۸: زیرمضمون ۷

سیاست‌های برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران	D.d2	پایبندی به سنت	استمرار و تأکید بر سنت‌های علمی و فرهنگی
	D.d2	نظارت هر بیشتر بر محتوای کتابهای درسی در جهت فرهنگ اسلامی	نوعی جهت دادن و تعیین اهداف کلی بر محتواها و کتب درسی
	D.d2	نظارت هر بیشتر بر محتوای کتابهای درسی در جهت فرهنگ اسلامی	نوعی جهت دادن و تعیین اهداف کلی بر محتواها و کتب درسی

هفت) مقاصد و هدف حکومت برای اسلامی سازی برنامه‌های درسی

کد ۲۴، مصاحبه ۲۷: «هدف این حکومت این است که هر طور شده ی سری اصول و مبانی من درآوری اشخاص افراطی را در کشور اجرا کنند، ی سری اصولی که بدون پشتوانه فرهنگی و کاربردی به خورد عوام می‌دهند و کسی هم که خواستار تحول در این زمینه هست به نوعی سعی می‌کند تنبیه کند که عبرتی باشد برای دیگران. متأسفانه دین ما را همراه با سیاست تعریف کردند.»

ه) بحث و نتیجه گیری

با توجه به پژوهش حاضر، اسلامی شدن برنامه‌های درسی، مانند هر فرایند برنامه‌ریزی شده دیگر، نیازمند نقشه راه و عملکرد است. راهکار اصلی اسلامی شدن، از نوع فرایند است؛ بنابر این، هر گونه راهکار تحمیلی، ضربتی و کوتاه‌مدت، محکوم به شکست خواهد بود. به عبارتی؛ برای پیمودن این مسیر پر فراز و نشیب، باید همه رویکردها و عوامل مختلف علمی و سیاسی و فرهنگی در نظر گرفته شوند. اسلامی شدن برنامه‌های درسی روندی یک‌باره و دفعی نیست و نیازمند بررسی‌های زیربنایی و تخصصی است که متأسفانه با توجه به چارچوب‌های سخت این سیستم و عدم اجازه نفوذ به نخبگان و متخصصان آموزشی که شاید بتوانند این راه پر فراز و نشیب را با راهکارها و تخصص‌های خود آسان و کوتاه کنند، با چالش روبه‌رو می‌کند. اما اگر به واقع

معتقدیم که اسلامی شدن از جنس تربیت انسانهاست و این طرح در قالب شعار نیست و فرایندی برای تغییر فضای حاکم بر یک جامعه است، نباید به دنبال نتایج دم دستی و سریع باشیم و از طرفی، ارزیابی این فرایند نیز با ارزیابی یک پروژه متفاوت خواهد بود. بسیاری از مجریان برنامه‌های سیستم آموزشی ایران، اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی را به معنای پالایش متون درسی از محتوای غیر اسلامی می‌دانند؛ حال آنکه متون بسیاری از مواد درسی که در دانشگاهها و سیستم آموزشی تدریس و تدوین می‌شود، برگرفته از نظریه‌های غربی و نگرشهای نظریه‌پردازان غربی است. جای بسی سؤال دارد که این دوستان در صد اسلامی‌سازی کدام یک از مواد درسی و حوزه‌های علمی‌اند که عاری از نظریه و دیدگاه علمی غربی‌ها نباشد! و جای بسی شکر که چرا مسئولان و مجریان فرهنگی و علمی و سیاسی‌ترین مانور اسلامی‌سازی را در حوزه علوم انسانی می‌دهند؛ در حالی که این حوزه چارچوب و مبنای غربی دارد! تفکرات غرب در این حوزه بیشتر از هر چیزی خودش را نشان می‌دهد. به عبارتی؛ برای تولید علوم انسانی اسلامی عالمان و متخصصان علمی و دینی باید شأن مداخله‌گرانه خود را عالمانه و علمی انجام دهند و در سایه این برنامه‌ریزی‌های دقیق و هوشمندانه، علوم انسانی اسلامی تولید کنند. با توجه به اینکه در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنیم، اصلاح متون درسی و جهت‌گیری آن به سمت اهداف دینی و سیاسی را انکار نمی‌کنیم؛ ولی اصل فرایند اسلامی‌سازی باید در کنار فرایند بومی‌سازی برنامه‌های درسی انجام گیرد.

با توجه به تحلیل داده‌ها و تبیین آنها، از نظر دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش، اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی بیشتر با رویکرد دینی و سیاسی کلید خورده است. بحث اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی از نظر این دانشجویان، طرحی برای یکسان‌سازی نگرش افراد نسبت به اهداف حکومتی است که با چارچوبی محافظه‌کارانه در سیستم آموزشی تعریف شده است. قالب فکری مجریان اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی، تجویز برنامه‌های دینی سازمانهای دینی و حوزوی در برنامه‌های علمی کشور است تا از این طریق، اهداف دینی و حکومتی را بهتر معرفی کنند. از نظر این دانشجویان، مشکلات زیادی بر سر راه این سیستم آموزشی قرار دارد که به عنوان اولویتهای اصلی در نظر گرفته می‌شود و بدون بررسی این مشکلات و ضعفهای آن، این سیستم با مشکل و بحران و چالش روبه‌رو خواهد شد. این مطالعه می‌تواند به درک درست وضعیت فعلی سیستم آموزشی کمک کند و مبنایی برای برنامه‌ریزی آینده آموزشی باشد. ادراک فعلی دانشجویان تحت تأثیر شرایط و سیاستهای موجود سیستم آموزشی و در رأس آن، آموزش عالی است. لذا بررسی وضعیت موجود سیستم آموزشی، وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی و اجرا و ارزیابی اقدامات آتی در آموزش عالی ایران است.

پیشنهادها

مبنای پیشرفت و ارتقای هر کشوری، در نظام آموزش عالی آن نهفته است و با توجه به اینکه علوم انسانی در شاکله این نظام نقش محوری دارد، لذا باید مجریان سیستم آموزشی تقویت این علوم و ارتقای بخشی به جایگاه آن را در اولویت خویش قرار دهند. مشکلات ساختاری، نخستین گروه از موانع روند اسلامی‌سازی علوم است. مشکلات ساختاری، مانع اجرایی شدن اسلامی‌سازی علوم می‌شود؛ لذا لازم است مسئولان آموزشی در این باره مانور بیشتری بدهند. با توجه به نتایج یافته‌ها، پرداختن به مسئله اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی ایران، بدون بررسی مسئله بومی‌سازی آن باعث ایجاد چالشهای زیربنایی و چارچوبی می‌شود.



منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). روشهای پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: علم.
- استراوس، ای. و جی. کوربین (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینهای. تهران: نی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۲). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مدرسه.
- برخوردار، رمضان و خسرو باقری (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های روش‌شناختی در تعلیم و تربیت». پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره دوم، ش ۲۲: ۱۲-۱۸.
- خالقی‌نژاد، سید علی و حسن ملکی (۱۳۹۳). «نقد دیدگاه پدیدارشناسی در برنامه‌ریزی درسی با تربیت اسلامی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، ش ۲۴: ۲۴-۲۲.
- خان‌محمدی، کریم (۱۳۹۴). «بررسی فرایند اسلامی شدن دانشگاهها در ایران: با رویکرد سیاستگذاری فرهنگی». دانشگاه اسلامی، سال دهم، ش ۳۲: ۱۲۲-۸۱.
- دلاور، علی (۱۳۹۱). روش تحقیق. تهران: ویرایش.
- صادقی، محمد (۱۳۹۱). «گفت و گو با محمد صادقی». پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی، ش ۱ (ویژه‌نامه)، جلد اول: ۷۱-۶۲.
- عابدی، حیدرعلی (۱۳۸۹). «کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی». راهبرد، ش ۵۴: ۲۰-۲۲۴.
- فاطمی، مهدی (۱۳۸۹). «بازجست درونزای انقلاب فرهنگی». جنبش دانشجویی، سال دوم، ش ۱۲-۱۳: ۵-۱.
- کافی، مجید (۱۳۹۳). «جامعه‌شناسی علم تاریخ و تاریخ‌نگاری». تاریخ اسلام، سال دهم، ش ۳: ۱۱۳-۱۴۳.
- کریمی، علی (۱۳۹۰). «تأثیر مطالعات اسلامی در علوم سیاسی؛ بررسی موردی اساتید و دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه مازندران». پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره دوم، ش ۱: ۱۴۲-۱۲۱.
- کسایی، نورالله (۱۳۶۳). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: امیرکبیر.
- گلکار، سعید (۱۳۸۷). «بررسی رابطه نظام پهلوی و دانشگاه در ایران». دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، ش ۲: ۱۲۶-۱۲۰.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). «روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی (قسمت دوم)». علوم انسانی اجتماعی حوزه و دانشگاه معرفت، ش ۳۱: ۱۸۱-۱۷۰.

- محسن پور، بهرام (۱۳۹۲). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سمت.
- موسویان، مریم (۱۳۹۳). «منطق تولید علوم انسانی اسلامی در نگاه سید محمد مهدی میرباقری». فرهنگ و اجتماعی، ش ۱: ۱۵-۲۱.
- مقدس فرد، حمیده (۱۳۹۱). «آسیب شناسی علوم انسانی و رشته‌های آن؛ اصلاح ساختار کلاس با نظریه رشته علوم اجتماعی». همایش ملی علوم انسانی. تهران.
- مستقیم، مهدیه السادات (۱۳۹۲). «آسیب شناسی در حوزه علوم انسانی از منظر عدم تطابق محتوا و ساختار با پارادایم‌ها». همایش ملی علوم انسانی. تهران.
- نوایی، علی اکبر (۱۳۸۹). «پروژه اسلامی شدن دانشگاه و راهکارهای آن». دانشگاه اسلامی، سال هفتم، ش ۱۹-۱۸.
- یوسفی، علی و ملیحه تابعی (۱۳۹۲). «پدیدارشناسی تجربی، راهی برای فهم تجربه‌های دینی». پژوهش‌های کاربردی، سال چهارم، ش ۱: ۹۳-۷۰.
- Al-Attas, M.N.A. & S.A. Ashraf (1979). **Aims and objectives of Islamic education**. Hodder and Stoughton.
- Al-Faruqi, I.R. (1986). **Toward Islamic English (No. 3)**. International Institute of Islamic Thought (IIIT).
- Heller, P. (1999). “Degrees of democracy: Some comparative lessons from India”. *World Politics*, 52(04): 484-519.
- Maududi, S.A. A'La (1980). **The Islamic Law & Constitution**. Islamic Books.
- Abedi, H.A. (2000). “Application of Phenomenological Research Method in Clinical Sciences”. *Strategy Quarterly*, No. 54: 20-224.
- Abolmaali, Khadijeh (2012). **Qualitative research methods from theory to practice**. Tehran: Alam Publishing.
- Bagheri, Kh. (2013). **Optimal model of education in the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Madrasa Publications.
- Barkhordari, R. & Kh. Bagheri (2012). “Methodological components in education”. *Journal of Fundamentals of Education*, Vol. 2, No. 22: 18-12.
- Delavar, A. (2012). **Research Method**. Tehran: Editing Publishing.
- Fatemi, M. (2010). “Endogenous Reconstruction of the Cultural Revolution”. *Quarterly Journal of the Student Movement*, Second Year, No. 12-13: 1-5.
- Golkar, S. (2008). “Investigating the relationship between the Pahlavi regime and the university in Iran”. *Islamic University Quarterly*, Vol. 11, No. 2: 120-126.
- Kafi, M. (2014). “Sociology of History and Historiography”. *Quarterly Journal of Islamic History*, Vol. 10, No. 3: 113-143.

- Karimi, A. (2011). **“The Impact of Islamic Studies on Political Science, A Case Study of Political Science Professors and Students of Mazandaran University”**. *Journal of Political Science*, Vol. 2, No. 1: 121-142.
- Khaleghi Nejad, S.A & H. Maleki (2014). **“Critique of phenomenological perspective in curriculum planning with Islamic education”**. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, Vol. 22, No. 24: 22-24.
- Khan Mohammadi, K. (2015). **“A Study of the Process of Islamization of Universities in Iran: With a Cultural Policy Approach”**. *Islamic University Quarterly*, Tenth Year, No. 32: 81-122.
- Lotfabadi, H. (2002). **Psychology of Value and Religious Moral Development in Adolescence and Youth (Part II)**, *Quarterly Journal of Social Sciences and the University of Knowledge*. No. 31, pp. 181-170.
- Mohsenpour, B. (2013). **Comparative Education**. Tehran: Samt Publications.
- Moqaddas Fard, H. (2012). **“Pathology of humanities and its disciplines, modification of class structure with theory of social sciences”**. *The National Conference of Humanities*. Tehran.
- Mostaghemi, M.S. (2013). **“Pathology in the field of humanities from the perspective of incompatibility of content and structure with paradigms”**. *published in the National Conference on Science*. Tehran.
- Mousavian, M. (2014). **“The logic of production of Islamic humanities in the view of Seyyed Mohammad Mehdi Mir Bagheri”**. *Cultural and Social Quarterly*, No. 1: 15-21.
- Navai, A. (2010). **“The project of Islamization of the university and its solutions”**. *Islamic University Quarterly*, 7th year, No. 18-19.
- Sadeghi, M. (2012). **“Interview with Mohammad Sadeghi”**. *Cultural and Social Hashayeh Quarterly*, No. 1 (Special Issue), Vol. One: 62-71.
- Yousefi, A. & M. Tabeii (2013). **“Experimental phenomenology is a way to understand religious experiences”**. *Quarterly Journal of Applied Research*. Year 4, No. 1.

